

فرهنگی

سرداری که روی شانه‌های تاریخ ماند:

ششی سال با یاد و خاطره «حاج قاسم سلیمانی، قطب‌نمای مقاومت»



به قلم: مهدی سلامت – فعال رسانه

در ششمین سالگرد شهادت سپهبد قاسم سلیمانی، ما نه تنها یاد یک سرباز را گرامی می‌داریم، بلکه «پدیده سلیمانی» را واکاوی می‌کنیم؛ پدیده‌ای که در آن مرزهای نظامی، دیپلماتیک و اجتماعی در هم می‌آمیزد و تصویری بی‌بدیل در تاریخ معاصر خاورمیانه خلق می‌کند. او که در بامداد ۱۳ دی ۱۳۹۸ در پی عملیاتی تروریستی توسط دولت آمریکا به شهادت رسید، برای حامیانش «سردار دلها» و «شهید محور مقاومت» و برای مخالفانش، نماد قدرتنمایی منطق‌های ایران بود. اما فارغ از این دوقطبی، تحلیل نقش او نیازمند عبور از اسطوره‌سازی و ورود به عرصه پیچیده «استراتژی میدانی» و «رهبری کاریزماتیک» است.

✱ بخش اول: ترسیم چهره؛ از قاسم فرمانده تا حاج قاسم اسطوره

قاسم سلیمانی فرآیند «تبدیل شدن به اسطوره» را از سال‌ها قبل از شهادت آغاز کرده بود. این مسیر چند مرحله داشت: سربازی گمنام در جنگ تحمیلی؛ آغاز فعالیت او در گردانهای سپاه در کرمان و سپس فرماندهی لشکر ۴۱ ثار... در دوران دفاع مقدس، که توانایی‌های تاکتیکی و مدیریتی او را پرورش داد. معمار امنیت در مرزهای شرقی؛ پس از جنگ، مدیریت او در مقابله با قاچاق مواد مخدر و ناامنی‌ها در شرق کشور، نخستین تجربه او در مبارزه با تهدیدات نامتقارن و فرامرزی بود.

طلوع ستاره منطقه‌ای با فرماندهی نیروی قدس:

انتصاب او به فرماندهی نیروی قدس سپاه در سال ۱۳۷۷، نقطه عطفی بود که میدان عمل او را از مرزهای ایران به کل جغرافیای مقاومت گسترش داد. در این دوره بود که او شبکه‌ای وسیع از ارتباطات با گروه‌های مختلف در لبنان، سوریه، عراق، فلسطین و حتی افغانستان ایجاد کرد. قهرمانسازی رسانه‌ای و مردمی: تصاویر او در میدان‌های نبرد موصل، تکریت یا حلب، همراه با شهادت رزمندگان مختلف درباره سادезیستی و شجاعتش، به تدریج چهره‌ای رسانه‌ای و محبوب برای او ساخت. لقب «سردار دلها» حاصل همین دوره است.

✱ بخش دوم: نقش آفرینی در نقطه عطف تاریخ؛ نبرد با داعش

اگر بخواهیم یک نقطه اوج برای اثربخشی تاریخی سلیمانی برشم‌ریم، بی‌تردید سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ و نبرد با گروه تروریستی داعش است. در زمانی که ارتش‌های منظم منطقه در حال عقب‌نشینی بودند، سلیمانی به‌ عنوان یک «سازمان‌دهنده و تقویت‌کننده» ظاهر شد. ایجاد «حشد الشعبی» در عراق؛ او نقش کلیدی در متقاعد کردن مراجع تقلید شیعه عراق، به ویژه آیت‌... سیستم‌انی، برای صدور فتوای جهاد علیه داعش و سپس سازماندهی و هماهنگی نیروهای داوطلب مردمی (حشد الشعبی) داشت. این نیروها که از اقوام و مذاهب مختلف تشکیل شده بودند، با پشتیبانی لجستیکی و مشاوره‌ای ایران، ستون فقرات نبرد زمینی علیه داعش شدند. دیپلماسی میدانی در سوریه: در سوریه نیز نقش او فراتر از مشاوره نظامی بود. او به عنوان واسطه‌ای بین دولت اسد، روسیه، حزب‌... لبنان و گروه‌های مختلف مبارز سوری عمل می‌کرد و سعی در هماهنگی استراتژی این نیروهای ناهمگون داشت. معماری یک مدل دفاعی: عملکرد سلیمانی در این دوره، الگویی عملی از «دفاع عمق‌بخش» و «بازدارندگی از طریق توانمندسازی متحدین» را به نمایش گذاشت. مدلی که هزینه مداخله خارجی را برای رقبای ایران بالا می‌برد.

✱ بخش سوم: میراث چندلایه؛ از ژئوپلیتیک تا فرهنگ عامه

میراث سلیمانی را نمی‌توان در یک عرصه محدود کرد. این میراث لایه‌های مختلفی دارد:

۱. میراث امنیتی-راهبردی: تثبیت نقش ایران به عنوان یک «قدرت منطقه‌ای با توان اثرگذاری در

عمق خاک همسایگان» و نهادینه کردن استراتژی «محور مقاومت» به رهبری ایران.

۲. میراث اجتماعی-سیاسی در داخل: تبدیل شدن به یک «نماد وحدت‌آفرین» در داخل ایران. مراسم بزرگداشت او و توجه به خانواده‌اش، نشان می‌دهد که تصویر او می‌تواند فراتر از تقسیم‌بندی‌های سیاسی معمول، جمع‌کنی را گرد هم آورد.

۳. میراث در فرهنگ و هنر: شهادت او به یک «رخداد فرهنگی» تبدیل شد. موج عظیم تولید محتوای هنری از مداحی‌های حماسی (مانند کارهای میثم مطیعی) تا تولید فیلم‌ها و سریال‌ها (مانند «قورباغه» یا «سلمان خان»)، نقاشی دیواری‌های گسترده در شهرها و حتی نامگذاری خیابان‌ها و اماکن عمومی، نشان از نفوذ عمیق او در خاطره جمعی دارد.

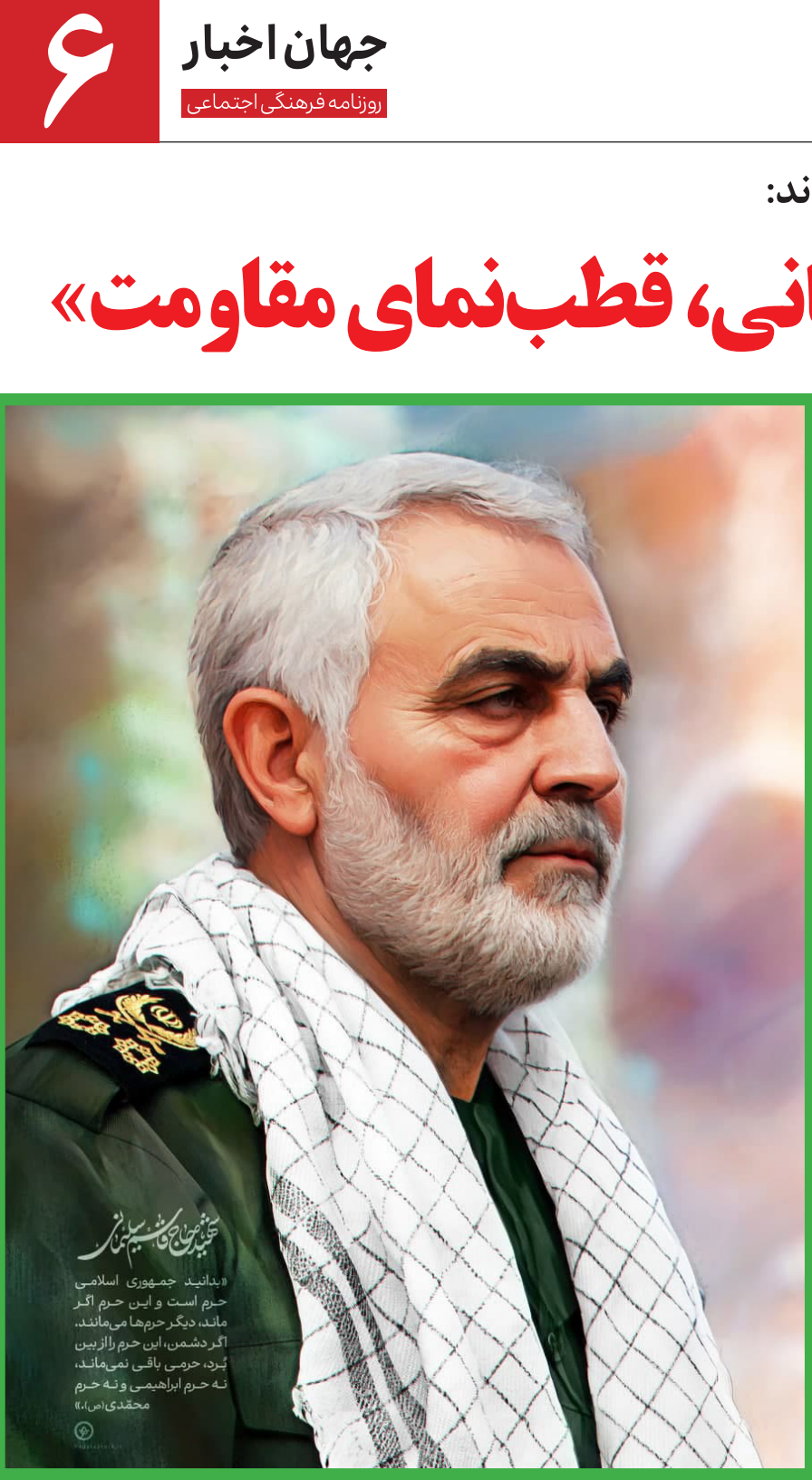
۴. میراث به مثابه یک تهدید یا دستاویز: از منظر دشمنان، به ویژه آمریکا و اسرائیل، سلیمانی نماد «تهدید ایران» باقی مانده است. ترور او و حوادث بعدی (مانند عملیات انتقامی ایران علیه پایگاه عین الاسد) نشان داد که نام او می‌تواند هم هدف باشد و هم محرک.

✱ بخش چهارم: نقد و تحلیل؛ فراتر از هاله تقدس
هر تحلیل مصنفانه‌ای باید به نقدهای وارد بر نقش و اقدامات سلیمانی نیز بپردازد. منتقدان (هم داخلی و هم بین‌المللی) بر چند نکته تأکید دارند: افزایش تنش‌های منطقه‌ای؛ برخی معتقدند فعالیت‌های گسترده او تحت نظر نیروی قدس، به تشدید رقابت امنیتی ایران با عربستان سعودی و اسرائیل و افزایش احتمال درگیری‌های نیابتی دامن زد. هزینه‌های اقتصادی و سیاسی: حضور فعال در سوریه و عراق، منتقدان داخلی را بر آن داشت که هزینه‌های مالی و دیپلماتیک این مداخلات را مورد پرسش قرار دهند. ابهام در اختیارات و پاسخگویی: ماهیت نیمه مخفی فعالیت‌های نیروی قدس و نقش فراقانونی سلیمانی در تصمیم‌گیری‌های کلان منطقه‌ای، همواره موضوع پرسش بوده است.

جمع‌بندی و سخن پایانی:

شش سال پس از شهادت قاسم سلیمانی، او از «یک فرد» به یک «مفهوم راهبردی» و یک «نماد فرهنگی» تبدیل شده است. ارزیابی نقش او نیازمند درکی دیالکتیکی است: از یک سو، سربازی با اعتقاد راسخ، کارآمد در میدان و پیوند خورده با مردم که در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ معاصر منطقه حاضر

بود. از سوی دیگر، مجری سیاست‌هایی که منتقدان بسیاری دارد و پیامدهای آن هنوز در حال شکل‌دادن به خاورمیانه است. چه او را قهرمان بدانیم و چه یک بازیگر جنجالی، نمی‌توان انکار کرد که قاسم سلیمانی یکی از معدود شخصیت‌های نظامی-سیاسی قرن بیست و یکم است که تأثیرش مستقیم‌تر از بسیاری



از دیپلمات‌ها و سیاستمداران پشت میزنشین بر خطوط نقشه ژئوپلیتیک منطقه حک شده است. شاید کلید درک «پدیده سلیمانی» در همین عبارت ساده خودش نهفته باشد: «ما مرد میدانیم». او محصول و نماد «میدان» بود؛ میدان نبرد، میدان سیاست و میدان قلب مردمی که او را «سردار دلها» نامیدند.

مناقب علی (ع) در حدیث شافعی اروایت پنهان از سقیفه تا کربلا

امام علی علیه‌السلام بر سایر صحابه ارائه شده است. عمده‌ی روایات او موافق با احادیث شیعه است و سبب شده علمای امامیه از این کتاب به عنوان منبعی گرانبها بهره ببرند، همچون علامه امینی که در کتاب الغدير خود به احادیث ابن‌مغازلی ارجاع داده است. به عنوان مونه وی در روایتی با اسنادش، از رسول خدا صلی ا... علیه و آله نقل می‌کند: هر که بعد از من در خلافت با علی دشمنی کند، او کافر است و با خدا و پیامبر او به جنگ پرداخته است و هر که درباره‌ی علی تردید داشته باشد، کافر است. نقل چنین حدیثی از سوی یک عالم اهل سنت، که خود را ملتزم به سنت پیامبر می‌داند و در عین حال از محبان اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز به شمار می‌رود، نشان‌دهنده آن است که سخن درباره ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تنها محدود به منابع شیعه نیست، بلکه در متون معتبر اهل سنت نیز بازتاب یافته است. در این حدیث، پیامبر اکرم صلی ا... علیه و آله به صراحت می‌فرماید: «هر که بعد از من در خلافت با علی دشمنی کند، کافر است». این سخن، نشان‌دهنده‌ی آن است که خلافت علی علیه‌السلام از نگاه پیامبر، نه صرفاً یک موضوع سیاسی، بلکه حقیقتی الهی و تعیین‌شده از سوی خداوند است؛ به گونه‌ای که مخالفت با آن، به مثابه مخالفت با اصل ایمان و حقانیت نبوت شمرده شده است. دشمنی با علی، در اینجا به‌معنای ایستادن در برابر مشروعیتی است که پیامبر آن را تأیید کرده است. بخش دوم حدیث که می‌فرماید «و هر که درباره علی تردید داشته باشد، کافر است»، ناظر به مرزهای روشنی است که پیامبر میان ایمان و نفاق ترسیم کرده است. تردید در حقانیت علی علیه‌السلام از نظر پیامبر، به‌معنای تردید در سخن او و وحی الهی تلقی می‌شود. این تأکید، بر مطلق و قطعی بودن جایگاه علی علیه‌السلام در منظومه ایمان و ایمان و نشانه‌ی تسلییم در برابر اراده خداوند است. مخالفت با علی، به‌مثابه ایستادگی در برابر تجلی کامل ایمان، عدالت و هدایت الهی است.

می‌کند که امامت نه یک منصب اجتماعی صرف، بلکه عهدی الهی و امتداد رسالت پیامبران است. این بیان، مرزبندی میان حکومت حق و سلطنت باطل را به روشنی ترسیم می‌کند. در پایان سخن امام، جمله‌ی «لَکِن نَضِیْحَ وَ تَضِیْحَوْنَ وَ نَنْظُرُ وَ تَنْظُرُونَ اَیُّنَا اَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ» نگاهی آینده‌نگر و امیدبخش دارد؛ اشاره‌ای به وعده‌ی تحقق کامل حکومت الهی در عصر ظهور مهدی موعود عجل‌...فرجه‌الشریف. این عبارت بیانگر آن است که مسیر امامت هرچند با ظلم و انکار روبه‌رو شود، سرانجام به تحقق خلافت الهی در زمین خواهد انجامید؛ خلافتی بر پایه‌ی عدل، علم و وارستگی از دنیا، همان آرمانی که حسین بن علی برایش جان فدا کرد.

مناقب علی (ع) در احادیث شافعی دشمنی با او جنگ با خداست

روایت ابن‌مغازلی گویای آن است که خلافت علی علیه‌السلام در کلام نبوی، نه صرفاً یک موضوع سیاسی، بلکه حقیقتی الهی و تعیین‌شده از سوی خداوند است؛ به گونه‌ای که مخالفت با آن، به مثابه مخالفت با اصل ایمان و حقانیت نبوت شمرده شده است. به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، کتاب مناقب الإمام عَلِیِّ بْنِ أَبی طالب علیه‌السلام مشهور به مناقب ابن مغازلی، یکی از مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت در فضایل امام علی علیه‌السلام است. این اثر توسط ابن مغازلی شافعی، از علمای اهل سنت قرن پنجم هجری، تألیف شده است. ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن مغازلی واسطی شافعی (متوفای حدود ۴۸۳ ق) از محدثان و فقیهان مشهور شافعی‌مذهب بود. وی در شهر واسط عراق به دنیا آمد و بیشتر عمر علمی خود را در بغداد و شهرهای اطراف گذراند. ابن مغازلی به عنوان یکی از راویان حدیث و علاقه‌مند به نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام شهرت دارد. کتاب مناقب مجموعه‌ای است از روایات و احادیث مربوط به فضائل، مناقب، ویژگی‌ها، جایگاه معنوی و کرامات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. این مغازلی این روایات را عمدتاً از منابع اهل سنت جمع‌آوری کرده است و در آن: روایاتی درباره‌ی شجاعت، علم، عدالت، و زهد امام، مرتبط با واقعه غدیر خم، احادیثی درباره‌ی خلافت و وصایت امام علی علیه‌السلام، شواهدی بر افضلیت



کتاب مَنَاقِبُ الإِمام عَلِیِّ بْنِ أَبی طالب علیه‌السلام مشهور به مناقب ابن مغازلی، یکی از مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت در فضایل امام علی علیه‌السلام است. این اثر توسط ابن مغازلی شافعی، از علمای اهل سنت قرن پنجم هجری، تألیف شده است. ابوالحسن علی بن محمد بن علی بن مغازلی واسطی شافعی (متوفای حدود ۴۸۳ ق) از محدثان و فقیهان مشهور شافعی‌مذهب بود. وی در شهر واسط عراق به دنیا آمد و بیشتر عمر علمی خود را در بغداد و شهرهای اطراف گذراند. ابن مغازلی به عنوان یکی از راویان حدیث و علاقه‌مند به نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام شهرت دارد. کتاب مناقب مجموعه‌ای است از روایات و احادیث مربوط به فضائل، مناقب، ویژگی‌ها، جایگاه معنوی و کرامات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام. این مغازلی این روایات را عمدتاً از منابع اهل سنت جمع‌آوری کرده است و در آن: روایاتی درباره‌ی شجاعت، علم، عدالت، و زهد امام، احادیث درباره‌ی منزلت الهی و قرآنی ایشان، روایات مرتبط با واقعه غدیر خم، احادیثی درباره‌ی خلافت و وصایت امام علی علیه‌السلام، شواهدی بر افضلیت امام علی علیه‌السلام بر سایر صحابه ارائه شده است. عمده‌ی روایات او موافق با احادیث شیعه است و سبب شده علمای امامیه از این کتاب به عنوان منبعی گرانبها بهره ببرند، همچون علامه امینی که در کتاب الغدير خود به احادیث ابن‌مغازلی ارجاع داده است. قسمتی از احادیث این کتاب اختصاص به تفاسیر روایی درباره